

## شہید محمد حیدری



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوشہر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۳۸/۰۴/۰۳
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۷/۰۷
محل شهادت	سردشت
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباززمینی ارتش
شغل	-
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	سنا

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید محمد حیدری فرزند علی در سال ۱۳۳۸ در روستای سنا از توابع شهرستان دشتی در خانواده‌ای متدین و مسلمان پا به عرصه گیتی نهاد و از همان دوران کودکی در آغوش پر مهر و محبت پدر و مادری متقی و پرهیزگار رشد نمود و با اخلاق حسنه و شایسته مصفاً گردید تا اینکه به سن ۶ سالگی رسید. پدر و مادرش او را روانه مدرسه نمودند تا الفبای زندگی را بیاموزد و با اخلاق حسنه نیکو گردد. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و در آغوش گرم خانواده و در کنار مهر و محبت پدر و مادرش به اتمام رساند. از آنجا که پدر و مادرش به او و برادرانش علاقه زیادی داشتند، او را برای ادامه تحصیل به شهر خورموج فرستادند و در مدرسه ادب خورموج او را ثبت نام نمودند.

شهید حیدری چون از وضعیت اقتصادی خانواده‌اش خبر داشت، تابستانها برای تأمین مخارج خود و تحصیلش کار می نمود تا بتواند اندکی از بار سنگین اقتصادی را از دوش پدرش بردارد.

شهید حیدری از نظر اخلاقی با دوستان و همسایگانش بسیار خوش اخلاق و خوش رفتار بود. به علت فقر مادی ناچار شد تحصیل را رها کند و برای امرار معاش تلاش بیشتری نماید. پس از فرارسیدن خدمت مقدس سربازی به ندای رهبرش لبیک گفت و عازم خدمت مقدس سربازی شد. پس از گذراندن ۲ الی ۳ ماه آموزش به خط مقدم جبهه غرب اعزام گردید و پس از چند ماه مبارزه و کوشش و ایثار در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و مجروح شد. پس از انتقال دادن به بیمارستان تهران و گذراندن دو هفته بستری در بیمارستان سرانجام در تاریخ ۶۲/۷/۷۷ به سوی معبود دیرینه‌اش و عاشق دلباخته‌اش، الله شتافت.

## وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

جمع آوری کنید آنچه که سلاح و تجهیزات دارید و بر علیه دشمنان خود به کار برید هر چند آنان زیاد باشند .

بنام خداوند یکتایی که ما را آفرید . ما را به وادی ایمان و هدایت توسط پیامبرانش سوق داد . درود خدا بر مهدی موعود(عج) و نایب برحقش امام خمینی .

اینجانب محمد حیدری به عنوان سرباز گمنام که موقعیت خطیر مملکت خود را احساس کرده، به ندای رهبرم لبیک گفته، راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدم . انگیزه‌ام این بود که در صراط مستقیم، و تا آنجا که توان دارم در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامیان کوشا باشم، و در این راه جانم را در طبق اخلاص نهادم . وصیت می‌کنم که همواره پیرو خط امام و شهیدان به حق اسلام از سیدالشهدا<sup>ؑ</sup> گرفته تا کربلاها (ی) جنوب و غرب ایران اسلامی باشید. نگذارید خون پاکشان، خدای ناکرده پایمال شود .

پدر و مادر عزیزم، که در راه تکامل و رشد من رنج فراوان و تلاش شبانه‌روزی را، چه در جنبه معنوی و چه در جنبه روحی بکار بردید، باید صمیمانه از زحمات شما قدر دانی کنم .

برادران و خواهران عزیز، به شما می‌گویم که همواره به عالم اخروی و سعادت خود بیاندیشید و دنیای مادی و گذرای فانی را فراموش کنید که این عین صواب است . اینجانب سعادت و خوشبختی شما را از خدای بزرگ مسئلت دارم .

پدر بزرگوارم ! اکنون که وصیت‌نامه‌ام را می‌خوانی، فکر نکن دیگر پیش شما نیستم، بلکه هر لحظه و هر ساعت با شمایم . پدر جان ! از تو خواهش می‌کنم، ممکن است که جنازه من دست شما نرسد . آنگاه به یاد شهیدان کربلا باشید . هر وقت ناراحت شدید به گلزار شهیدان بروید .

مادر جان ! از شما خواهش می‌کنم، برای من گریه نکنید اگر گریه می‌کنید برای اصحاب حسین(ع) گریه کنید .

مادر عزیزم ! هر جا نگاه بکنید و به هر جا بنگرید، شهید است . مادرم ! بعد از شهادت‌م بعیون را رسوا کن . البته باید ببخشید، سخن زیاد است، ولی وقت کم . خودت می‌دانی دنبال معشوقم که لقاءالله است، می‌شتابم . در پایان از تو می‌خواهم که حلالم کنی . جنازه بنده را ببرید «سنا» دفن کنید .

خدا را شاهد می‌گیرم بر اساس وظیفه دینی و زنده نگه داشتن اسلام به جبهه نبرد حق علیه باطل آمدم .

من یک سرباز جز<sup>ؑ</sup> اسلام هستم، و اگر خداوند تأیید نماید خود را وابسته به حزب‌الله می‌دانم . تا آخرین قطره خون سعی می‌کنم، تا همدوش سایر رزمندگان دین خود را نسبت به اسلام و انقلاب و ولایت فقیه ادا<sup>ؑ</sup> نمایم . هوشیار و آگاه باشید، راه پاک شهیدان را دنبال کنید .

در خاتمه همگی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم، و از خدا طلب آمرزش می‌کنم .

خدا حافظ همگی با آرزوی شهادت

خدایا خدایا ، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

## مصاحبه

در محضر برادر شهید  
« غلامرضا بازدار منش »

ویژگیهای اخلاقی شهید

ایشان خیلی خوش اخلاق بودند . با همه حتی بچه های کوچک هم دوست می شدند و با هر کسی هم که دوست میشد، او را دوست می داشت و به او احترام می گذاشت .

علاقه مندی به خانواده

به پدر و مادرش خیلی احترام می گذاشت، اعضای خانواده را از صمیم قلب دوست می داشت . به خانواده اش علاقه ای عجیب داشت .

احترام گذاشتن به اقوام و دوستان

به همه احترام می گذاشت . هر گاه از جبهه بر می گشت، به احترام دوستان و اقوام تا آنجائی که امکان داشت به همه سر می زد و از احوال آنها خبر می گرفت .

پایبندی به اعتقادات مذهبی

در مراسمات مذهبی ( عزاداری ایام عاشورا، راهپیمائیهها، دعا) شرکت فعال داشت . به نماز و روزه خیلی اهمیت میداد . رابطه اش با مسجد خیلی خوب بود .

سفارش به درس خواندن در آخرین لحظات اعزام به برادرش

همیشه مرا تشویق به درس خواندن می کرد . حتی در آخرین لحظه نیز سفارش همیشگی اش را فراموش نکرد و مرا تشویق به درس خواندن نمود . حتی زمانی که به مرخصی می آمد، موضوع را پیگیری می کرد، که آیا من درس می خوانم یا نه؟

خبر از شهادت داشتن

روزی به همراه محمد و یکی از دوستانش و همسر برادرم به یکی از روستاهای خورموج برای بازدید و احوالپرسی رفته بودیم . محمد داشت در مورد جبهه و جنگ تعریف می کرد که در این میان جمله ای بیان کرد که هیچوقت از یاد نخواهم برد . ایشان گفتند: اینبار که به جبهه می روم امید برگشت ندارم . همانطور که گفته بود . .

ویژگیهای خاص

خوش اخلاق بود – به دیگران احترام می گذاشت – رفت و آمد با خویشان و بستگان .

## علاقه‌مندی به ورزش

شهید حیدری به ورزش علاقه‌ای خاص داشت هر موقع بچه‌های محل در زمین ورزش جمع می‌شدند او نیز حضور داشت . و ورزشی که از همه بیشتر دوست داشت والیبال بود .

# خاطرات

## خاطره‌ای از شهید در دوران انقلاب

اوایل انقلاب بود که کم‌کم دامنه راهپیمایی مردم تا روستاها نیز کشیده شده بود. شهید حیدری نیز به همراه جوانان روستا در صف اول راهپیمایی شرکت داشت. یک روز رییس پاسگاه آن زمان به پدرم گفته بود که نگذارید فرزندش در راهپیمایی شرکت کند، زیرا اولین کسی که تیر می‌خورد اوست، چون سردسته شعاردهندگان راهپیمایی اوست. پدرم موضوع را با او در میان گذاشته بود. محمد در جوابش گفته بود: هیچ اشکال ندارد، می‌خواهم اولین شهید روستا باشم.

و کلام آخر...

افتخارم اینست که به عنوان عضوی از خانواده شهید هستم و می‌توانم به کشورم و مردم عزیزم خدمت کنم. و این نکته را متذکر شوم که جوانان عزیز کشورم نگذارید خون شهدا پایمال شود.





سامانه جامع سرداران و دو هنر شهید استان بوشهر